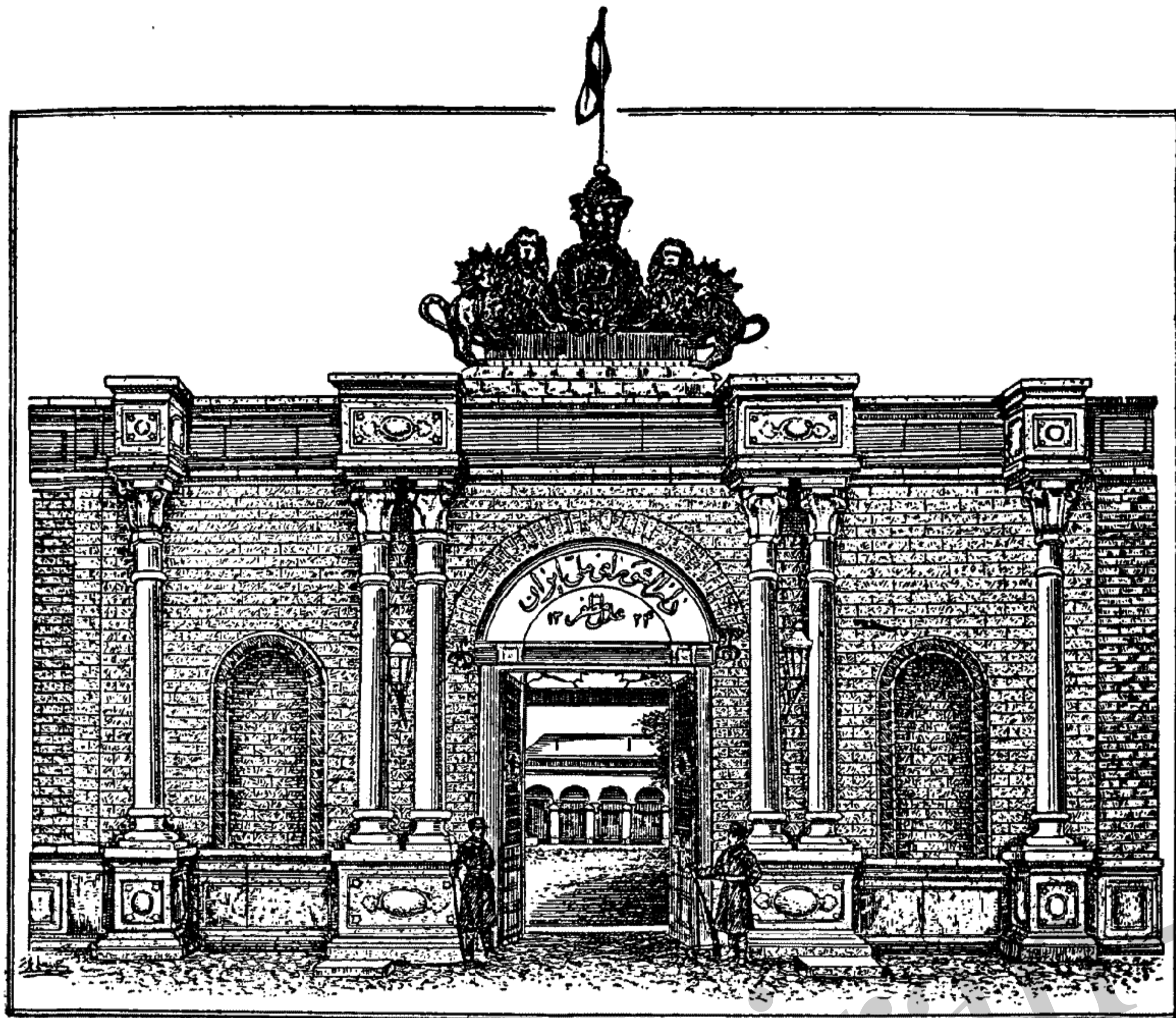


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۳ شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۳

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر براساس آقای بیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس سه شنبه بیست و یکم شهریور را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)
 رئیس -- صورت مجلس ایرادی ندارد؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس -- صورت مجلس تصویب شد.

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای معتضد استرابادی از آقای وزیر مالیه و جواب ایشان	۲۲۳۸	۲۲۴۰
۲	سؤال آقایان فهیمی و شبروانی از آقای وزیر مالیه	۲۲۴۱	۲۲۴۶
۳	سؤال آقای کازرونی از آقای وزیر داخله	۲۲۴۶	۲۲۴۷
۴	سؤال آقای آقاسید یعقوب از آقای وزیر مالیه	۲۲۴۷	۲۲۴۷
۵	شور در مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ خبر کسپون داخله راجع به انجمنهای بلدی	۲۲۴۷	۲۲۵۵

رئیس -- آقای وزیر مالیه برای جواب سؤالات آقایان استرآبادی و فیهمی حاضرند. آقای استرآبادی معتقد استرآبادی -- بنده قبل از اینکه وارد در موضوع سؤال بشوم از موقع استفاده نموده عرض میکنم (این يك عرضی است که همه آقایان نمایندگان با من موافقت) قانون که وضع شد باید اجرا شود والا اگر قانون وضع بشود و اجرا نشود بهتر آن است که وضع نشود زیرا وقتی قانون وضع نشد اشکال ندارد ولی وقتی وضع شد و اجرا نشد و هن قانون است. مگر آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان راجع بقوانینی که وضع شده و اجرا نشده يك تذکراتی در مجلس مقدس داده اند حتی يك روزی نظره هست که آقای آقا سید یعقوب فرمودند من مظلومیت قانون استخدام را تذکر میدهم بنده هم میخواهم تذکر بدهم که بعضی از قوانین ما واقعاً مظلوم هستند. بنده يك فقره سؤال از آقای وزیر داخله دانستم راجع به قانون استخدام چون تشریف ندارند میگذارم برای بعد. اما سؤال بنده از آقای وزیر مالیه این است که بطور اجمال در سؤال خود عرض کرده بودم راجع به دو نفر از تجار که در استرآباد حبس شده اند بر خلاف قانون و خواهش میکنم جواب بدهند. برای اینکه وقت مجلس زیاد تضییع نشود بطور اجمال عرض میکنم. رئیس مالیه استرآباد هزار و دویست و چهل تومان برات خریده است از یکی از تجار موسوم به میرزا رضا به مدت سی و يك روز حالا مدت چرا اینقدر ممتد است و چرا قبل از وصول پول را داده است اینها يك مباحثی است. برای اینکه هزار و دویست و چهل تومان به يك نفر تجاری که شاید معتبر تر از او تجار خیلی در استرآباد هستند نباید قبل از رسید تلگراف وصول داده شده باشد. در هر صورت این هزار و دویست و چهل تومان را رئیس مالیه استرآباد برات کرده است به طهران و طهران برات را نکول میکنند. رئیس مالیه استرآباد بدون مراجعه به طهران و رعایت قوانین جاریه

شیخاً و مستقیماً فرستاده است عقب میرزا رضا و میرزا رضا برده دوازده روز در مالیه حبس کرده. اینجا این حرکت کاملاً ثابت میکنند که يك رئیس مالیه هم مدعی است. هم مجری است. هم قاضی. و این زینب البته بر خلاف تمام قوانین است. بعد از دوازده روز که میرزا رضا را حبس کرد و بر او ثابت شده که از او چیزی در نمی آید در تحت عنوان اینکه من به اعتبار وکیل التجار که یکی از تجار محترم استرآباد است (که شاید اقل صد هزار تومان دارائی دارد) داده ام میفرستد عقب وکیل التجار او را می آورد به اداره مالیه و مطابق استشاداتی که به وزارت مالیه تقدیم کرده ام چهارده ساعت او را توقیف میکند و پولی را که میرزا رضا برات فروخته قبض از وکیل التجار میگیرد به عنوان این که من به اعتبار تو فروخته ام. و در این مدت این شخص مشغول استشادات بود و تلگرافات متعددی به وزارت مالیه و ریاست وزراء نموده و تظلم کرده است که يك براتی را که میرزا رضا فروخته و پولش را او گرفته به من چه ربطی دارد؟ قبض جبری چرا از من گرفته اند؟ راجع به این موضوع بنده هم مراجعه کرده به خزانه و آقای وزیر مالیه بعد از یکماه يك تلگرافی از خزانه صادر شد که پول را از وکیل التجار بگیرید. خیلی چیز عجیبی است برات را میرزا رضا فروخته است پولش را باید وکیل التجار بدهد. اگر رئیس مالیه استرآباد وکیل التجار را مسؤول میدانست به چه مناسبت اول میرزا رضا را دوازده روز حبس کرده؟ و اگر میرزا رضا را مسؤول میدانست بچه مناسبت وکیل التجار را آورد و قبض از او گرفت و پول را از او مطالبه کرد. در اثر این تلگراف خزانه وکیل التجار را که یکی از تجار محترم است برده اند به نظمی و تقریباً هفت هشت روز در نظمی حبس بوده و این قضیه در اوقاتی بوده است که مجلس تعطیل بود خود بنده رفتم خدمت آقای رئیس الوزراء و آقای رهنا و

مراتب را در تحت عنوان شکایت از خزانه عرض کردم و بالاخره چون این شخص در نظمی حبس بود مجبور شدم به آقای رئیس الوزراء و آقای رهنا عرض کردم که من هزار و دویست و چهل تومان را به شخص آقای رئیس الوزراء امانت میدهم تا بهرکس که در استرآباد معین کنند میدهم و بعد اگر ثابت شد که این پول را وکیل التجار باید بدهد چون آدم معتبری است ممکن است پنج برابر اضافه بدهد و اگر ثابت شد که میرزا رضا باید بدهد که دیگر مربوط به وکیل التجار نیست به ای نحوکان رئیس مالیه استرآباد خلاف قانون کرده و خزانه هم نباید کرده است آن خلاف قانون را بالاخره با مساعدت آقای رئیس الوزراء يك تلگرافی از اینجا به استرآباد مخیره شد که هزار و دویست و چهل تومان پیش حکومت استرآباد امانت بگذارند تا به موضوع رسیدگی شود و این وجه هم حالا به امر آقای رئیس الوزراء پیش حکومت امانت گذاشته شده است و تقریباً پانزده روز هم هست که مجلس باز شده ولی موضوع همینطور باقی است. میخواستم عرض کنم که اگر این حرکت رئیس مالیه بر خلاف قانون نیست بفرمایند و اگر هم بر خلاف قانون است يك رئیس مالیه حق ندارد هم قوه مجریه و هم قوه قضائیه و هم مدعی باشد. این چیز غریبی است!! این است که سؤال کردم از آقای وزیر مالیه و بعد از جوانی که فرمودند اعم از اینکه بنده متقاعد بشوم یا نه از ایشان خواهش میکنم که این عمل را بيك طوری خاتمه بدهند. چون این وجه در آنجا معطل مانده و معلوم نیست کی باید این وجه را بدهد بعلاوه اگر بنا شد این پول را میرزا رضا بدهد خود او دو هزار و پانصد تومان از دولت طلب کار است ممکن است از آن وجه بدهد. این بود سؤال بنده از آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه -- بنده خیلی متأسفم که مبنای اظهارات نماینده محترم يك قسمتش مبتنی بر يك اطلاعات است

که با اطلاعات بنده که مبتنی بر يك مدارك اداری است تطبیق نمیکند. بعلاوه چیزیکه بیشتر باعث تأسف است این است که شاید اینطور تعبیر بشود این سؤال و جوابها که در حقیقت اشخاصیکه برخلاف درستی و بر خلاف صحت عمل و بر خلاف تمام قوانین تجاری و معامله می خواهند کلاه برداری کنند و کلاه دولت را بردارند و پول مملکت را بخورند اینها هوا خواه و حامی در این مرکز محترم پیدا میکنند. و البته هیچ حاضر نیستم که این تعبیر را بکنند و یقین دارم که نماینده محترم هم این منظور را نداشته اند و به ایشان القاء شبهه شده است. اصل قضیه این است که اداره مالیه يك براتی خریده است برای فرستادن پول به طهران و همانطور که آقا اظهار داشتند از میرزا رضا به برات خریده شده. این میرزا رضا از کار کثان و بستگان يك وکیل تجاری است و این برات در اینجا نکول شده اولاً بنده ملتفت نشدم این طرز جدید معامله که آقا فرمودند از کجا وارد مملکت ما شده؟ فرمودند که قبل از وصول پرداخت چرا پول را باز داده اند در صورتیکه امین مالیه باید پول را بدهد به يك تجاری و يك براتی بگیرد که اینجا آن پول پرداخته شود. و نا این پول را ندهد چطور میتواند قبلاً از خبر وصول مطلع شود و این بنظر بنده هیچ بهم مربوط نمی آید بعد از اینکه برات نکول شده در آنجا مراجعه کرده اند به آن برات دهند که میرزا رضا نام بوده و میرزا رضا يك انبار برنج داشته است اداره مالیه انبار برنج او را توقیف کرده است که یا پول این برات را رد کند یا از برنجش بردارند. وکیل التجاری پیدا شده و سند سپرده است که شما به انبار برنج کار نداشته باشید من این پول را در فلان موقع میپردازم. مالیه محل هم به وکیل التجار میگوید ما به اعتبار این که این آدم از کار کثان شما است پول را داده ام او هم میگوید انبار برنج را بدهید بعد من این مسئله را اصلاح

میکنم. در بین این مدتی که معین شده بود وکیل التجار تمام برنج ها را میفروشد و بعد هم میگوید به زور از من سند گرفته اند. این شد و تا اولی به يك شكل كلاه برداری میکند دومی به شكل دیگر میخواهد كلاه دولت را بردارد. تکلیف مالیه چیست؟ باید بگذارند يك اشخاصی بعنوان اینکه ما معامله میکنیم، ناجر هستیم، برات میفروشیم پول دولت و مالیات مؤدیانی که باید بصندوق عمومی بیاید بخورند؟ اینکه نمیشود. از آنطرف هم آقایان میدانند همیشه ما خودمان سعی میکنیم و آقایان هم تأکید میکنند تا وقتیکه تجار خودمان هستند و اینها میتوانند پول دولت را برسانند و از این راه هم آنها استفاده کنند و هم دولت چرا پول را به بانک های خارجی میدهد؟ بنده چه کنم که يك همچو اشخاصی پیدا میشوند که بکلی اعتبار را از بین میبرند و ادارات دولتی مجبور میشوند برای معاملات خودشان را بیندازند به دامان بانکهای خارجی و مخصوصاً این قضیه بیشتر تأثیر بد میکند اگر اینطور تعبیر شود که این قبیل اعمال هوا خواه و مدافعی پیدا میکند. در نتیجه بعد از اینکه این وکیل التجار در تحت تعقیب در آمد به اینجا مراجعه کردند و از اینجا دستور داده شد که به وسیله مجاری قانونی بوسیله نظمی و نمایندگان عدلیه و مراجعه به حکومت و هر وسیله که هست پولتان را از وکیل التجار بگیرد و تلگرافاتی هم به حکومت شده و دستور داده شده است و بر حسب دستور آقای رئیس الوزراء حکومت هم وکیل التجار را آورده و سخت گیری کرده و بالاخره پول مالیه را وصول کرده و به صندوق مملکت هم عاید شده است.

معتضد استرآبادی - بیانات وافیه و کافیه آقای وزیر مالیه متأسفانه بنده را متقاعد نکرد برای اینکه در جزء به جزئی اینطور که فرمودند نیست. اولاً فرمودند اینکه سی و يك روزه برات خریده است و پول را قبل از وصول داده است عیب ندارد. بنده عرض نکردم که

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده هم در همین موضوع میخواستم عرض کنم وقتی که مطلب معلوم شد که از امور حقوقی است و وقتی که معلوم شد وزیر مسؤل تحقق امر است باید مطلب بمواقع مربوطه قانونی مراجعه شود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در چندین قبض نمازی که یکی از تجار جنوب است کارخانه مرفین سازی وارد کرده که سوخته تریاک که از اینجا خارج میشود مرفین آن را بگیرند و البته این مسئله هم يك صرفه از جهت جرائم و غیره داشته و هم از باب خروج و ورود و قرار معلوم اداره مالیه کارخانه را توقیف کرده است و نگذاشته است و بنده دلیلی برای این دعوت بنظره رسید مگر اینکه خواسته اند فقط از ساختن و انتشار مرفین در داخله مملکت جلوگیری کنند و این را ممکن بود از راه دیگری جلوگیری کنند یعنی اجازه بدهند مرفین را بسازند نهایت يك مقدار که برای مصارف داخله لازم است نگاه دارند و بقیه را حبل بکنند بخارج. علت اینکه مانع این کار شده اند در صورتیکه انحصار هم نبوده است چه بوده خواهش میکنم آقای وزیر مالیه توضیح بدهند ما هم اطلاع پیدا کنیم.

وزیر مالیه - يك کارخانه مرفین سازی همانطوری که اظهار کردند حاجی نمازی وارد کرده بود بشیراز و میخواست از تریاک جوهر کشی کند و چون اینمطلب يك مسئله خیلی مهمی بود و میبایستی نظارت و کنترل دقیق از طرف ادارات دولتی بشود و طوری نباشد که مرفین زیادی تحصیل بشود و بطور قاچاق در مملکت منتشر بشود و بالاخره موجب این بشود که يك اشخاصی معتاد مرفین بشوند از طرف وزارت مالیه این کارخانه توقیف شد. بعد از مذاکره با حاج نمازی اجازه داده شد که این کارخانه با اختیار او گذارده شود با قید این که عصاره نباتات دیگر را تحصیل کنند و مرفین

نسازند فعلاً هم در وزارت مالیه بر حسب همان پیشنهاد هائی که از طرف ایشان رسیده بود مشغول مطالعه هستند برای اینکه ببینند برای کارخانه مرفین سازی و کنترل کارخانه مرفین سازی چه نظاماتی را باید اتخاذ کرد و البته اگر از این حیث نظر مثبتی اتخاذ شود میشود اجازه داد که تهیه مرفین بکنند.

رئیس - آقای شیروانی مسؤل از وزیر مالیه در برید فرمائید.

شیروانی - اهمیت تریاک از نقطه نظر تجارت و فلاحیت برای ایران يك موضوعی است که تصور میکنم برای هیچیک از آقایان نمایندگان قلم توضیح و تشریح نباشد در این موضوع البته تمام اهالی مملکت از نقطه نظر حیث اقتصادی ایران علاقهمند هستند ولی آقایان تجار مجلس مخصوصاً میدانند که اصفهان يك علاقه خاص و شدیدی نسبت به این موضوع دارد. زیرا قطع نظر از اینکه شهر اصفهان و توابعش محل زراعت تریاک است و مقدار زیادی تریاک در آنجا زراعت میشود يك قسمت مهم تریاک که بخارج حمل میشود در کارخانجات اصفهان تیار میشود و تجار و اهالی اصفهان هر دو علاقه مند بمسئله تریاک هستند بنده بطور اختصار در مقدمه سؤال لازم است يك مذاکره ای را جمع به این موضوع بکنم. تریاک از نقطه نظر فلاحیتی يك مال التجاره است برای این مملکت که ما باین زودی وبدون مطالعه نمیتوانیم از او دست بکشیم تریاک در يك موقعی زراعت میشود که آب برای هیچیک از زراعتهای ما لازم نیست و در آن فصل ما میتوانیم زراعت تریاک بکنیم و در حقیقت موقعی که آب هرز می رود ما می توانیم از این زراعت استفاده کنیم. تریاک علاوه بر اینکه خودش يك مال التجاره مهمی است زمین هم برای زراعت ما تهیه میکند یعنی در جاهائی که تریاک کاری معمول است خریداران املاک و بیشتر از اربابها زمینی که تریاک در آنجا زراعت میشود علاقه مند هستند. تریاک تنها زراعتی است که

برای زارع پول تهیه میکند یعنی از سایر زراعت ها از قبیل گندم و برنج و سایر حبوبات نمیتواند چیزی تهیه کند زیرا فقط سهم زارع به اندازه مصرف داخلی خودش است ولی تنها زراعتی که برای زارع پول تهیه میکند تریاک است در چه موقع این پول بدست زارع میرسد یکی در موقعی که میخواهد سایر محصولات خودش را ضبط کند . یکی وقتی که مزد باید بدهد برای سایر زراعت ها آن موقع موقع فروش تریاک است که در آن موقع باید تریاک را بفروشد و سایر محصولات خود را ضبط کند بنا بر این از نقطه نظر فلاحی تریاک برای زارعین این مملکت یک موضوع حیاتی است که ما باید آنرا مطالعه کاملی در این خصوص نکنیم و یک مال التجاره دیگری را جانشین این مال التجاره نکنیم به این حرفه نمی توانیم از آن صرف نظر کنیم و اما از نقطه نظر تجاری چون همانطور که عرض کردم اصفهان و اهالی اصفهان در جریان تریاک هستند و شاید اشخاصی هم که مثل نمده هستند یعنی نه باجراوند و نه زراعت تریاک دارند اطلاعات کافی در این خصوص دارند اینها چیزهایی است که بنده کاملاً میدانم و البته اطلاعات بیشتری که لازم است یعنی جزئیاتش را ممکن است آقای کازرونی و آقای حاج امین التجار و اشخاصی که هر روزه داخل در داد و ستدش هستند بفرمایند . همینقدر بنده میدانم که در اصفهان متجاوز از ده هزار نفر تاجر و اعضاء تجارتخانه و دلال و شاگرد از این مال التجاره در سال زندگان و اعاشه میکنند که هر یک از اینها دارای ده نفر ، پنج نفر ، هفت نفر عائله هستند پس میشود گفت که صد هزار نفر اهالی شهر اصفهان از تجارت تریاک ارتزاق میکنند

آقا سید یعقوب - فارس هم همینطور است .

شیروان - بله خیلی از نقاط همینطور است ولی چون بنده داخل در جریان اصفهان هستم از این جهت اصفهان را عرض میکنم . پس در هر شهری نان صد هزار نفر را قطع کردن

بنده تصور میکنم که یک کار سهل و ساده نباشد که یک نفر نماینده بخارجه برود و از طرف خودش یک حرفهائی زند . موضوع دیگری که ما بیشتر باید در آن مطالعه کنیم موضوع واردات و صادرات این مملکت است ما مستشار می آوریم . متخصص مالی می آوریم و بالاخره میخواهیم یک موازنه در دخل و خرج مملکت بدهیم . آن موازنه چطور است ؟ میخواهیم بکفتری مالیات بیشتر از مردم بگیریم و از بودجه خرجمان هم بکفتری بکاهیم که در آخر سال یک تعدیلی در بودجه ما بشود و در ظاهر این را میشود تعدیل گفت و موازنه جمع و خرج مملکت . ولی ما هنوز در این قضیه عمیق نشده ایم زیرا ما هر قدر بودجه دولتی مان را موازنه و تعدیل کنیم و بودجه مملکت یعنی واردات و صادراتمان را موازنه نکنیم و روز بروز وساعت بساعت بطرف مرگ میرویم و موازنه بودجه دولتی بالاخره مملکت ما را از این خطرات اقتصادی که در مقابل داریم نجات نمیدهد پس ما دو درجه اول باید بودجه مملکت یعنی واردات و صادرات را موازنه کنیم آنوقت باطبیعه بودجه مملکتی ما موازنه میشود و بر فرض این که ما از اصلاح بودجه دولتی اضافه عایدی خیلی زیادی هم پیدا کنیم تا این قسمت را عمیقانه در نظر نگیریم مملکت اصلاح نمیشود . پس وقتی که بنا شد این قضیه محل نظر شد و ما خواستیم واردات و صادرات خودمان را موازنه کنیم باید مراجعه مواد بکنیم که از این مملکت خارج میشود و موادی که وارد میشود مثلاً اشیاء نجملی را البته اگر ما اقدام کنیم کمتر وارد این مملکت شود یک اقدامی است که قدری نافع خواهد بود یا اگر سور تا کس گمرکمان را زیاد کنیم و حتی الامکان سعی کنیم که اشیاء خارجی کمتر وارد این مملکت بشود این هم یک اقدامی است . ولی اقدام اساسی بعقیده بنده این است که ما کاری بکنیم که مواد زیادی از مملکتمان خارج بشود تا ما بتوانیم موازنه را در نظر بگیریم وقتی که آقایان بفرستند در کتابخانه و استاتستیک و احصائیه گمرکی را بیاورند جلوشان بگذارند درصدر

صادرات این مملکت دو قلم درشت دیده میشود یکی نفت است و یکی تریاک است و فعلاً فقط یک طوری است که حالا باید در این موضوع هم بحث کرد و راجع به نفت در حقیقت ما خودمان را فریب میدهیم که جزء صادرات ایران است برای اینکه یک لوله نفتی از یک چاهی بسرحد کشیده شده است و در آنجا سر لوله گذارده میشود در کشتی بدون اینکه ما خبر داشته باشیم وزن آن چیست قیمت آن چیست فقط یک صورتی هرطور دل خودشان میخواهد مینویسند . بنده در کمیسیون بودجه هم عرض کردم که ما کاملاً نتوانستیم باین موضوع رسیدگی کنیم و تا امروز هم دولتهای مانه این موضوع رسیدگی نکرده اند و از این جهت است که در کمیسیون بوجه هم ماعایدات نفت جنویمان را بطور علی الحساب تلفی کرده ایم برای اینکه هنوز رسیدگی نکرده ایم در هر صورت نفت زیادی از این مملکت بیرون میرود بدون اینکه پولش در اینجا مصرف شود و در خارجه مصرف میشود بنابر این این را ما نمیتوانیم جزء صادرات مملکت حساب کنیم . فقط در ذیل او یک قلم درشت دیگری هست که آن تریاک است و تریاک هم آنچه که استاتستیک گمرکی بنا نشان میدهد از سنه ۱۳۰۱ تا امسال که ۱۳۰۶ است در هر سالی به تفاوت از ده میلیون تا پانزده میلیون بطور مرئی پول به این مملکت وارد کرده . در صورتیکه در کمیسیون بودجه در این موضوع عرض کردم که اگر از این مبلغ زیاد تر نباشد معادل همین مبلغ هم بطور غیر مرئی پول وارد این مملکت میکنند و میتوانیم بگوئیم که بطور کلی تریاک در سال سی میلیون بول وارد این مملکت میکنند بعد وقتی که از تریاک گذشتیم به خشکه بار و سایر چیزها مان میرسیم که دیگر صحبت از یک میلیون و دو میلیون نیست صحبت از صد هزار و پنجاه هزار و چهار صد هزار و دو صد هزار تومان است و دیگر به اقلام درشت تصادف نمیکنیم . این است که در نتیجه وقتی که ما با صادرات و وارداتمان مراجعه

کردیم در سال گذشته یعنی ۱۳۰۴ را در نظر گرفتیم و دیدیم صدی هشتاد و پنج واردات این مملکت بیشتر از صادراتش است و این یک چیزی است که چشم را خیره میکند و معلوم نیست که این مملکت را به کجا سوق خواهد داد . بنده شنیدم در این قرار داد تجاری ایران و دولت شوروی یکی از موادش این است که وقتی میخواهند مبادله جنس بکنند گویا بین دولت و نماینده های دولت شوروی این مذاکره بوده است که دولت ما میخواسته است صدی بیست صادرات ما بیش از واردات آنها باشد و آنها صدی ده مذاکره میکردند و بالاخره گویا . بحد وسط قائل شده اند و به صدی پانزده حاضر شده اند که از ما اجناس قبول کنند و کمتر جنس بدهند . یعنی ما صد میلیون منات جنس صادر کنیم و هشتاد و پنج میلیون منات جنس وارد کنیم و این البته در نتیجه جنگ بین المللی و در نتیجه بحرانهای سیاسی که در دنیا پیدا شده است ما از یک سرحد مهم میتوانیم این استفاده مهم را بکنیم و این مسئله شاید در تاریخ تجارت ما سابقه نداشته است . در یک سرحد ما اینطور است یعنی صدی پانزده بیشتر مال التجاره صادر میکنیم و در سرحد دیگر ما درست قضیه معکوس است یعنی از آنجا صد میلیون منات جنس وارد این مملکت میشود و پانزده میلیون از این مملکت صادر میشود و اگر این قرار داد انشاء الله بزودی بگذرد و یک مدتی طول بکشد و عمل شود تازه ما باید از یک سرحدمان استفاده کنیم و از آنطرف باید صرف سرحد دیگرمان کنیم آنوقت تازه زندگانی ما تعدیل میشود در صورتیکه مملکت ما دارای مواد خام است و اگر انشاء الله بکفتری دولتهای ما بخودشان تکان بدهند ما می توانیم بکفتمت مهم دنیا را مال التجاره بدهیم متأسفانه یک همچو معامله هنوز نشده و احصائیه گمرکی تا بحال آنچه بنا نشان میداده این است که در سال در حدود صدی پنجاه و صدی شصت و هفتاد و هشتاد و پنج وارداتمان

زیادتر از صادرات آنست بوده است و حالاً این صدی بازردهی هم که ما از جنوب مال التجاره صادر می‌کنیم چیست؟ وقتی که خوب دقت باقلاصه احصائیه گمرک بکنیم تقریباً صدی دوازدهش تریاک است که این را میخواهند از ما بگیرند. بعد از ذکر این مقدمه عرض میکنم که بنده در اصفهان بودم که در جراید خوانده شد که از طرف دولت کلنل ماک کرماک که از مستخدمین سابق امریکائیدها بوده است از امریکا احضار شده است و باو امر داده شده است در موضوع مذاکره تریاک ایران در مجمع اتفاق ملل ایشان از طرف دولت نماینده باشند و بروند در مجمع. این خبر مثل یک صاعقه در شهر اصفهان صدا کرد چرا برای اینکه در مسافرت اول کلنل ماک کرماک و ماموریتی را که از طرف دولت داشت و مخصوصاً مجلس شورای ملی آن ماموریت را برسمت تشدخت و کیسیونی هم از طرف مجلس در وزارت ملید خواستند بنده هم در آن کمیسیون عضویت داشتم در آنجا تصریح شد که این ماموریت هیچوجه من الوجوه در تصمیمات دولت و ملت ایران نسبت بعمل تریاک مؤثر نیست و ایشان در آن مسافرت در مجمع اتفاق ملل مذاکرات امید بخش نکرده بودند و مندرجات جرائد سابق راجع مذاکرات ایشان در مجمع اتفاق ملل بیشتر رحشت انداخته بود این خبر در آنجا خیلی سوء اثر کرد حتی تصور میکنم که تلگرافانی هم در این باب اهالی بدوات کرده باشند و اعتراضاتی کرده باشند باین مأموری که برای این مأموریت معین شده است. حالاً بنده کار ندارم به اینکه اساساً وقتی یک مأموریت رسمی به یک نفر از اتباع خارجه داده میشود باید منحصرأ با اجازه مجلس شورای ملی باشد. کلنل ماک کرماک کنترالتش خانمه پیدا کرده است و یک نفر خارجی است و اگر او را بخواهند به یک مأموریتی بفرستند باید به اجازه مجلس باشد و کنترالتش در مجلس تصویب بشود آنوقت برود به مأموریت. بنده خیلی

خوشوقت هستم که ایشان مأمور رسمی ما نبوده اند برای اینکه تبعه خارجه هستند و کنترالتشان هم خانمه پیدا کرده و در آنجا هم هرچه بگویند مؤثر نیست. بنده میخواستم از وزیر محترم مالیه سؤال کنم که اولاً بجه مناسب یک همچو مأموری معین شده است و فرستاده شده است و در صورتیکه لازم است که حقیقه در این باب ما در مجمع اتفاق ملل مذاکره کنیم و نماینده داشته باشیم چرا از اتباع داخله یک نفر را معین نمیکند؟ و بالاخره در مجلس شورای ملی باید یک تصمیماتی در این باب ایجاد شود که ما بگوئیم با یک شرائطی در یک مدتی ما میتوانیم در باب تریاک داخل مذاکره شویم و بنده این جمله را عرض میکنم. و بعرضم خانمه میدهم: به نماینده هائی که از مجمع اتفاق ملل آمده بودند راجع باین مسئله بنده یک جمله گفتم که بعد همین ماک کرماک هم گفتم که همین جمله را شما در مجمع اتفاق ملل مذاکره کنید بنده تصور میکنم موضوع حل شود همان نماینده ها هم تصدیق کردند. بنده بآنها گفتم یک بار تریاک که عبارت از دو صندوق باشد از هفتصد تا هزار تومان قیمت دارد یعنی حداقل آن هفتصد تومان است و حداکثر آن هزار تومان. از اصفهان با پنجاه تومان یا چهل تومان کرایه در مدت بدست روز بسرحد بوشهر میرسد ما وقتی میتوانیم دست از این زراعت بکشیم که هر مال التجاره ایران را که معادل هفتصد تومان یا هزار تومان است بتوانیم با همین کرایه در همین مدت بیکی از سرحدات مملکتان برسانیم یعنی هفتصد تومان گندم یا جو یا کتیرا و بالاخره هفتصد تومان ارزان ترین مال التجاره هائی خودمان را بتوانیم با چهل تومان کرایه در این مدت بسرحد برسانیم ولی این یک مال التجاره کم وزن و گران قیمت است و این مقصود منحصرأ با داشتن راه بعمل میآید. ما هر وقت توانستیم واکن هائمان را از اصفهان به بوشهر حرکت بدهیم و با چهل تومان کرایه هفتصد تومان گندم به

سرحد برسانیم ما حاضریم با نهایت خوشوقتی اطاعت و استقبال کنیم یک همچو تصمیمی را. ولی امروز که مال التجاره ما منحصرأ تریاک است و میتوانیم با پنجاه تومان کرایه هفتصد تومان مال التجاره را بیکی از سرحدات برسانیم با اینکه راه نداریم ممکن نیست ما نیز با این نحلیل کمر شکن برویم مجمع اتفاق ملل که عبارتست از نماینده های اولین دول سرمایه دار دنیا یک کمک خیلی مختصری ما بکنند و آن اینست که برای امتداد یک خط از یکی از سرحدات ایران بسرحد دیگر یک پولی فقط بدون آنزبل بما فرض بدهند. اعانه و کمک هم نمیبخواهیم. محل استهلاکش را هم بآنها نشان میدهم ما از عایدات قند و شکر در سال شش میلیون عایدی داریم. یک خطی که از یک سرحدی امتداد پیدا کند در حدود دویست دویست و پنجاه میلیون خرج دارد. ما سالی شش میلیون استهلاکاً میدهم. فقط از ما منفعت بگیرند. این دول سرمایه دار که طرفدار بشر هستند طرفدار حفظ الصحه بشر هستند و میخواهند افراد را از این سم مهلك نجات بدهند و بنام بشر برستی میخواهند بازرده میلیون افراد بشر را محو کنند بیدانند یک همچو کمکی بما بکنند که ما راه آهن خودمان را زودتر امتداد بدهیم. آن روزی که این کار شد و سرحدات ما بهم اتصال پیدا کرد و توانستیم هفتصد تومان مال التجاره را با چهل تومان کرایه بیکی از سرحدات برسانیم با نهایت میل حاضریم زراعت تریاک خودمان را ترك کنیم و الا بنده از طرف تمام اهالی این مملکت این جا عرض میکنم که هر تصمیمی راجع بقسمت تریاک در مجمع اتفاق ملل گرفته شود کانلم یکن و بلا اثر است.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

وزیر مالیه - در اظهارات نماینده محترم بنده دو قسمت تشخیص میدهم و جواب هر یک را جدا عرض میکنم. قسمت اول راجع به اصل موضوع مطلب است

یعنی اهمیت زراعت تریاک از نقطه نظر این مملکت و اهالی این مملکت. البته در این قسمت آقایان مستحضرنند که این مطلب سابقه مذاکره در مجلس دارد و خود بنده یکی دو مرتبه پشت همین تریبون برای اظهار همین مسائل آمده ام و عرض کرده ام که دولت متوجه اهمیت این مطلب از نقطه نظر اقتصاد، زراعت و تجارت این مملکت است و البته در هیچ موقع و مورد و هیچ عنوان و برای هیچکس و هیچ مرکزی منافع مملکت خود و منابع حیاتی افراد خودش را از دست نخواهد داد. مأمورین ما الان در همین موقع که بحث میکنیم در جامعه ملل هستند و در دستور جامعه ملل یکی از مسائل مهم که مطرح است مسئله تریاک ایران است. مأمورین ما هم که البته آقایان مسبقند آقایان فروغی - علاء و فهیم لدوله از مأمورین رسمی ما هستند کاملاً از همه این جریانات مسبق هستند و دستورات لازمه هم بآنها داده شده است و دولت هم چنانچه آقایان ملاحظه فرمودند در نتیجه مذاکراتیکه اول در شورای جامعه راجع به تریاک ایران شده بود و اینست که مأمورین اعزای جامعه تهیه و تقدیم کرده بودند دولت در شورای جامعه یک نظریاتی اظهار کرد ولی در مقدمه آن نظریات و در نتیجه آنها به شورای جامعه تذکر داد و نوشت که این اظهاراتی را که دولت میکند از نقطه نظر توافق بایک اصول مساعه ایست و راههایی که دولت تصور میکند که از آن راه ها میتواند منافع خودش را وفق بدهد با مصالح عمومی ولی مقید گردیده اینک نظریات دولت در این باب نمیتواند قابل اجرا شود مگر اینکه بصورت قانونی در بیاید و قانون هم بالاخره پیشنهادهای را دولت میکند و تصویبش باید در مجلس بشود چنانچه دولت هم باین عهد خود و باین تعهد خود در شورای جامعه وفا کرد و حتی قبل از این که انتظار این را بکشد که آیا جامعه و شورای او نسبت به تعهدات و عهود خودشان همانطور که ما ایفاء کردیم آنها هم می کنند یا نمیکند در صورتیکه عقلاً و مطلقاً این دو مطلب

بهم متصل است دولت بعهده خود وفا کرد و يك پيشنهادهای كه در نظر داشت در ضمن يك لایحه قانونی به مجلس تقدیم كرد و الان هم در کمیسیون قوانین مالیه آن قانون مطرح است. حالا هم كه مذاكراتی در جامعه ملل جریان دارد نمایندگان ما بر طبق دستور يكه از ما دارند و بر طبق اطلاعات كاملي كه از اوضاع مملكت ما دارند همیشه منافع ما را حفظ و مدافعه میکنند و هیچ چیزی كه موجب اضرار باشد قبول نخواهند كرد و اگر هم خودشان نظراً موافقت كنند چنانچه در سابق ما خودمان موافقت کرده بودیم باز نتیجه آن همین خواهد بود كه قانونی را كه ما در سابق به مجلس داده بودیم و الان مطرح است تعقیب كنیم و بیاوریم به مجلس عالی و آقایان در آن اظهار نظر كنند و بیشتر از این بنده در این قسمت نمیتوانم توضیح عرض كنم برای اینکه از جریان فعلی جامعه مطلع نیستم كه اندازه كافی بتوانم اینجا عرض كنم.

قسمت دوم فرمایشات نماینده محترم مربوط بود به قسمت مأمورین و نمایندگان دولت و طرز رفتار دولت در مسائل بین المللی اینجا بنده مجبوره تذکر بدهم خدمت آقای شیروانی و مجلس محترم كه البته این قسمت از وظایف اولیه قوه مجریه است و در تحت مسؤلیت خود قوه مجریه است و مجلس مسؤلی در این قضیه غیر از وزراء کسی را ندارد. وزراء هم بمسؤلیت خودشان مأمورینی را كه میخواهند و هر كس را كه صلاح میدانند خواه برای نمایندگی خواه برای تخصص و مشورت انتخاب میکنند ولی مسؤل در مقابل مجلس كه نمایندگان ملت هستند خود دولت و اشخاصيكه آن مأمورین را معین کرده اند هستند. بنده در این جا البته نمی خواهم از این مرحله بگذرم بدون اینکه يك قضیه دیگری را از نقطه نظر حقیقتی اظهار کرده باشم. بگم بنده دیگر بنده در پشت همین تریبون اظهار قدر دان كردم از كنگل مالك كرمالك كه در آن موقع هم نماینده فنی و مشاور

مأمورین دولت بود ولی این دفعه هنوز مذاكرات تمام نشده است و نمیتوانم اظهار عقیده بكنم ولی دولت مشورت فنی نمایندگان خودشرا هم كه این دفعه به كنگل مالك كرمالك مراجعه كرد بواسطه این بود كه آن دفعه از اظهارات و نظریات و اقدامات او كاملاً راضی بود و امید واره این دفعه هم چه مأمورین رسمی ما و چه مأمورین فنی ما كه منحصر به كنگل مالك كرمالك هم نیست و مأمورین دیگر هم داریم ایفاء وظیفه كنند كه موجب رضایت همه بشود.

شیروانی - قسمت اول توضیحات آقای وزیر محترم مالیه كاملاً بنده را قانع كرد و تصور میکنم مجلس شورای ملی را هم قانع کرده باشد ولی در قسمت دوم تصور میکنم این مسئله نظری نیست در هر صورت بنده خالاً نمیخواهم داخل جزئیات بشوم ولی نظرم این بود كه اگر بعنوان مأموریت دولت ایران يك شخص خارجی بمقامی فرستاده میشود منحصراً باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد.

رئیس - آقای كازرونی هم سئوال داشتند

كازرونی - اجازه میفرمائید؟ از آقای وزیر داخله سئوال دارم

رئیس - اون سئوال بفرمائید كه برای جواب حاضرند؟

كازرونی - بنده قبلاً صورت سئوال را داده ام

وزیر داخله - بنده كه هنوز مسبوق نشده ام

كازرونی - الان عرض میکنم: عرض بنده خیلی ساده و مختصر است و چندان محتاج مراجعه بآن دوسیه ها نیست. عرض بنده این است كه اولاً بنده شنیدم انجمن بلديه فارس را والی فارس منحل کرده بعد هم شنیدم از طرف دولت اجازه داشته. از طرف آقای رئیس الوزراء با غیر ایشان. و البته برای بنده خیلی حقیقتاً سنگین بود اگر زود باور میکردم و نبایستی باور كنم الان هم كه این عرض را میکنم نمیتوانم باور كنم كه قوه مجریه ما بر خلاف قوانین مملكتی يك حكمی صادر بكنند. این تقریباً يك

پیام غیر مرضی و غیر مطلوبی است. آقای آقا سید اظهار كردند كه بقراری كه آقای وزیر داخله و غیره فرموده اند جبران خواهند كرد. در هر صورت البته جبران میشود اما نمیدانم چطور جبران میشود كه اگر يك کسی يك سیلی بصورت کسی زد چه باید كرد برای جبران؟ در هر صورت خواستم آقای وزیر محترم داخله توضیح بدهند كه راستی واقعیت دارد و ممكن است باور كرد كه دولت حكم بكنند يك مؤسسه ملی قانونی را بر خلاف قانون منحل بكنند؟ و اگر این طور است چطور باید از دیگران انتظار داشت كه متابعت از قانون بكنند؟ چون امبدوارم واقعیت نداشته باشد و سئوالی كه کرده برای این است كه آقای وزیر داخله توضیح بدهند كه اسباب آسودگی و آسایش خاطر بنده و سایر مردم بشود.

وزیر داخله - اولاً راجع به انجمن و بر هم زدن بلديه بنده كه همچو اطلاعی ندارم و از وزارت داخله هم همچو حكمی صادر نشده است بلکه هیچوقت نخواهد شد و اگر هم آنجا اقداماتی شده باشد بنده چون توضیحات خواسته ام و اقدامات کرده ام منتظرم كه نتیجه گرفته شود و بعد نتیجه را این جا عرض میکنم و این فرمایشاتی كه فرمودند بنده تصور نمیكنم حقیقت داشته باشد.

آقا سید بعقوب - آقای وزیر مالیه برای جواب سئوال بنده هم حاضرند

رئیس - بفرمائید

آقا سید بعقوب - اطلاعات ما از جریانات مملكت همان است كه در روزنامهجات می بینیم. آقایان وزراء هم كه كتر تشریف می آورند در مجلس و کمیسیونها. روزنامهجات فارس وسیله اطلاع ما از وضعیات فارس است. مخصوصاً روزنامه گیلستان شرح مفصلي نوشته است كه معاون مالیه فارس كه مصطفی خان باشد در تحت هیچده ماده از دوسیه و اسنادی كه از خود مالیه تحصیل شده. (حالا بنده به اختلاس و عملیات خلاف قانون تعبیر

نمیکم) ولی اینها در واقع تصرف در وجوه عمومی بدون اجازه قانونی است. خواستم از آقای وزیر مالیه سئوال كنم كه در این باب آیا استحضاری دارند بنده؟ اگر دارند چه اقداماتی در این باب کرده اند؟ خزانه مملكت این جور باید باشد؟! كه بعد از مدتی يك وقتی می فهمیم كه در يك شاهنشاهی بحساب بعضی ها پولهائی گذاشته شده است تعقیب هم میکنیم میگویند پول شخصی است. آیا در این باب چه اقدامی كرده اند و تفصیل چیست؟

وزیر مالیه - اگر چه مفهوم میشود كه اصل موضوع سئوال يك اظهار لطف و محبت خاصی نسبت به بنده و سایر همكاران بنده بود. اما در موضوع مصطفی خان (منتخب الملك) كه اظهار فرمودند مسائلی كه در روزنامهها نوشته شده مورد تحقیق و تفتیش است ولی يك مطالبی كه مربوط به روزنامه نبود و از خود اداره اطلاعات رسیده بود موجب شده كه او معلق و تحت محاکمه است بعد از آنكه قضیه معلوم شد ممكن است تجدید سئوال بفرمایند بنده عرض كنم و هم ممكن است در روزنامهجات كه وسیله استخبار بجز آنها چیز دیگری نیست مستحضر شوند. نسبت بان قسمت دیگر كه اشاره فرمودند راجع بن حساب این يك قضیه ایست كه شاید مهمتر باشد و فعلاً هم بنده صلاح نمیدانم در این باب مذاكرات بكنم. رئیس - ماده چهار از قانون بلديه مطرح است.

بقیه پیشنهادها قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ماده چهار را بقرار ذیل اصلاح میکنم: تبصره - سهمی كه در عوض عایدات نواقل و عوارض متفرقه دیگر به بلديهها تعلق میگیرد و متصدی وصول آن وزارت مالیه است و همچنین عایداتی كه ممكن است در آتی به وسیله وزارت مالیه یا ادارات دیگر برای بلديه وصول و جمع آوری گردد باید به بلديه هر محل تسلیم شود و ترتیب خرج و نظارت آن مطابق مقررات این قانون با خود

بلدیه خواهد بود (کازرونی)
کازرونی - پیشنهادی در همین زمینه بنده و آقای دادگر تقدیم کردیم و بنده توضیحات خودم را موکول به توضیح ایشان میکنم و اینرا استرداد میکنم
دادگر - استدعا می کنم آن پیشنهاد را قرائت فرمایند.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ما امضا کنندگان پیشنهاد می کنیم در تبصره ماده ۴ جمله (موجب قانون الغاء باج راهها مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۰۴) حذف شود

دادگر - کازرونی

رئیس - بفرمائید

دادگر - عرض کنم در این پیشنهاد چندین منظور یکمرتبه مورد توجه است یکی خود جمله که این طور گفته شد که اگر این جمله موجود باشد و در مالیات راه تصرفی بشود در آینده اسباب اشکال برای بلدییه میشود. اگر مصوبات مجلس بطور اطلاق باشد اینطور است. بعلاوه در ماده چهار اینجا گفته شد اشکالات زیادی است و مابین ماده چهار و ماده ۲۹ هم یک ارتباطی هست که باید مجموع این دو را اصلاح کرد و عقیده آقایان نمایندگان را که اختلاف پیدا کرده است در یک نقطه تمرکز داد. ما منظورمان بیشتر این است که این پیشنهاد مورد توجه بشود برود بکمسیون اختلاف تا اینکه پیشنهادات دیگر هم با این ماده چهار برود بکمسیون آنوقت میتوانیم با اشخاصی که در این مسئله اختلاف نظر دارند (با آقای مدرس هم همینطور تبانی کردیم) در آنجا این ماده را اصلاح کنیم. برای این مقصود است برای تحصیل این نظر است که طرف توجه نشود و بر حسب آن ماده بکمسیون برود که با یک دقت بیشتری تهیه بشود.

رئیس - رأی گرفته می شود به پیشنهاد آقای دادگر آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد دیگر.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود در تبصره ماده ۴ بعد از جمله (به بلدییه هر محل) اضافه شود از روی تناسب وسعت جمعیت تقسیم شود. شیروانی

رئیس - بفرمائید

شیروانی - بنده توضیحی ندارم اگر مجلس اجازه بفرمایند پیشنهادهای راجع باین موضوع همه برود بکمسیون و همانجا مبروم و اصلاح میکنیم

رئیس - مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس - عده متأسفانه کافی نمیشود چند دقیقه باید تعطیل کرد

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً ریاست آقای طباطبائی دبیر نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بیات راجع بماده چهار قرائت میشود

شیروانی - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید

شیروانی - عرض کنم بنده در پیشنهاد خودم عرض کردم که مجلس اجازه بدهد پیشنهادات با ماده برود بکمسیون آقای رئیس هم فرمودند مخالفی با این نظریه نیست گفته شد خیر. باید همانطور عمل شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده به آقای شیروانی تذکر میدهم که باید نظامنامه را مراعات کرد. در نظامنامه نوشته شده است که در شور دوم توضیحاتی که در مواد لازم است باید داده شود و در اطراف پیشنهادشان آقایان باید بر سبیل اختصار مطابق ماده ۶۳ توضیح بدهند

فرضاً که نظر محبر و کمسیون موافق با یک پیشنهادی باشد و آن ماده هم به کمسیون ارجاع شود معذک باید از طرف پیشنهاد دهنده توضیحی داده شود.
نایب رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶۳ - اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهاد میشود در صورتی که از طرف کمسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال میکند و فقط اعضای کمسیون حق جواب دارند

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بیات خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را بعنوان تبصره دوم ماده چهار پیشنهاد میکنم
تبصره ۲ - اضافه عایداتی که در تبصره یک ماده سیم قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیاتهای بلدی مصوبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ مقرر شده است به تناسب تقسیم ۱۳۰۵ بین مؤسسات بلدییه و خیریه تقسیم شود از سنه ۱۳۰۶ اضافات مزبور بر حسب نظر وزارتین داخله و مالیه بنسقاطی که در قسمت اولیه ۱۳۰۴ کمتر سهم برده اند تقسیم خواهد شد.

مرتضی قلیخان بیات

نایب رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - در جلسه قبل هم بنده شرحی در این زمینه عرض کردم که ترتیب تقسیمی که سابقاً مابین بلدییه ها شده از حیث عایدات نواقل و سایر عایدات بی تناسب بوده. زیرا بعضی نقاطی که در سرحد واقع شده اند از مال التجاره که حمل می شده است به سایر نقاط یک مالیات دریافت میکرده اند و آن مالیات ها با اضافه نواقل و غیره برای عایدات بلدییه آنجا مدرک شده ولی بعضی نقاط دیگر حتی آن

عایدات نواقل هم بهشان داده نمیشده بجهت اینکه عایدات نواقل را چنانچه آقایان در خاطر دارند وزارت مالیه جمع آوری میکرد و مخارج را از آن کسر میکرد و بقی را بلدییه آن محل میداد و از طرف وزارت مالیه هم اضافه مخارج خیلی میشده مثلاً مخارج وصول مالیات غیر مستقیم را از این حقوق به بلدییه یعنی از عایدات نواقل میدادند و همینطور در بعضی اقسامتهای دیگر بعضی حقوق مأمورین را هم از محل نواقل میدادند و همین جهت در این قبیل نقاط مخارج خیلی زیاد بود و عایداتی که به بلدییه میرسید خیلی کم بود. در قانون الغاء مالیات باج راه هم این دقت ها نشده چون آن روزی که این قانون را میگذرانند از نقطه نظر اصول آن مالیاتها را موقوف کردند و شاید در آنوقت اطلاعات کافی هم در این زمینه در دست نبود اینطور تصمیم گرفته شد هر نقطه هر چه عایدی دارد همان را از عوائدی که عوض مالیات راه گرفته میشود بهش بدهند و بهمان تقسیم بین آن نقاط تقسیم کنند. بنا بر این حالا بعضی از نقاط هست که هیچ عایدی ندارد و یا اگر دارد بهیچ وجه کفایت مخارجش را نمی کند. بنده حالا در اصل موضوع پیشنهادی نکردم و گفتم همان عایدی را که میبرند ببرند. فقط نظرم باضافات بود که دیگر اضافات به بعضی نقاط داده نشود و اضافاتی که می ماند بان نقاطی که هیچ عایدی ندارند یا کمتر از مخارجشان دارند داده شود. از این جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

نایب رئیس - آقای طلوع عضو کمسیون هستید؟

طلوع - خیر.

محبر - چون ماده ارجاع به کمسیون شده تقاضا میکنم پیشنهادات هم ارجاع شود به کمسیون تا در آنجا از روی دقت مطالعه شود و تحت شور در آید.

نایب رئیس - پیشنهادات ارجاع میشود به کمسیون

ماده پنج قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پنج - حوزه بلدی عبارت است از شهر و اطراف آن تا حدود معینه تعیین و تغییر حوزه بلدی با پیشنهاد اداره بلدی و موافقت حکومت و تصویب انجمن محکم وزارت داخله خواهد بود.

کازرونی - بنده اخطار دارم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که آقای وزیر داخله در اینجا نیستند که مسئله اساسی را که بنده بعرض مجلس میرسانم استماع بفرمایند. مادر قوانین در همه جا حکومت را مداخله میدهم. و در این جا نوشته است حوزه بلدی را انجمن بلدی با موافقت حکومت درست کند آقا: در صورتی ما می توانیم این کلمه را در قانون داخل کنیم که عملیات حکومت ها را در ولایات ندیده باشیم بنده الان مدلل میکنم و بعرض مجلس میرسانم که حکومت های ما در ولایات هیچ کار ندارند جز اینکه اسباب زحمت میشوند دو راه دارند که از این دو طریق اسباب صدمه و فشار مردم هستند یکی سجل احوال و یکی هم بلدی.

شیروانی - یکی هم انتخابات.

آقا سید یعقوب - انتخابات يك مسئله دیگری است و بنده حالا نمیخواهم وارد آن بشوم، بنده میخواهم عرض کنم که قوانین ما باعتبار اینکه مدنی نیست که از وضع آن گذشته و دور زمان پیدا نکرده و مردم نسبت بان قوانین سمیمیت پیدا نکرده اند از این جهت عمل بقانون را جزء عقیده و وظیفه خودمان میدانیم در مملکت باین اندازه که ما وزراء آوردم و تغییر دادیم هیچیک شان بقانون ایمان نیاوردند و هنوز معتقد بقانون نیستند. اعتقاد بقانون از دو جهت است یا باید در مقابلش يك جزائی باشد و یا باید حقیقه بان علاقه مند باشیم. حالا بنده بیش از این نمیخواهم در این باب چیزی عرض کنم. بنده مدلل میکنم. رئیس الوزراء تلگراف می کنند که بلدی شیراز را

تعطیل کنند. آنهم يك بلدیة قانونی را. و در جرائد هم مینویسند حکومت می گوید من تصمیم گرفتم بلدیة قانونی تعطیل باشد و حال آنکه هیچ تصور نمی کنند که يك مؤسسه ملی هیچوقت قابل تعطیل نیست. در این ماده نوشته شده است «تعیین و تغییر حوزه بلدی با پیشنهاد اداره بلدی و موافقت حکومت و تصویب انجمن محکم وزارت داخله خواهد بود.» نسبت بان جزء آخرش که وزارت داخله است بنده مخالفم. امیدوارم وزارت داخله و هیئت وزراء خودشان را در مقابل مجلس واقعاً مسؤول بدانند تا ما بتوانیم با اقداماتشان موافقت کنیم. ولی با موافقت و دخالت حاکم بنده کاملاً مخالفم بعلم اینکه تا کنون هیچ دبه نشده که يك حاکمی بجائی برود و قانون یا مؤسسات ملی را مراعات کند و در هر جا که میرود غیر از اذیت و فشار مردم فائده دیگری ندارد.

بنده میدانم حتی حکومت های جزء چهار ماه که بولایات میروند وقتی که بر میگرددند هر کدام چهار و پنج هزار تومان پول همراه میاورند و حال آنکه از حقوق ماهی صد تومان این قدر پول نمیشود پس انداز کرد و نمی شود انومبیل سوار شد. جز اینکه رئیس بلدی و رئیس سجل احوال را خودشان انتخاب کنند آنوقت با این دو مغناطیس بزرگ و این دو چنگال جان مردم را بگیرند. و بنده با این ترتیب جداً مخالفم و موافقت حکومت را هیچوجه صلاح نمیدانم.

نایب رئیس - آقای کازرونی موافقت با مخالفید.

کازرونی - بنده موافقم.

نایب رئیس - بفرمائید!

کازرونی - عرض میکنم که این ماده و مذاکرات در اطراف این ماده هیچوجه نحوی و بدی حکومت راجع و مربوط نیست. حکومت خوب است یا بد است ما کاری بان کار نداریم. ما میخواهیم حوزه بلدی را معین کنیم و ببینیم که حدود و ثغور حوزه بلدی تا

میگذاری؟! بنده گفتم تا ما حکومت عادلانه پیدا نکرده ایم که مطابق قانون رفتار کند خوب است آنها را در این قبیل امور مداخله ندهیم و از همین نقطه نظر بود که این پیشنهاد را کردم.

نایب رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقا بنیکه تصویب میکنند قیده فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای عمادی

(باین عبارت خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده پنج بعد از جمله و تصویب انجمن جمله ذیل را ضمیمه نمائید.

بتوسط وزارت داخله بمجلس تقدیم شود پس از تصویب مجلس وزارت داخله مأمور اجرا باشد.

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم چون امر تعیین و تغییر یکی از موضوعات مهمه است بطوری که محل اختلاف ممکن است واقع شود و حکم حکومت در تعیین و اجرای آن قاعده وارد است از آنطرف بفرمایش آقای آقا سید یعقوب حکومت راهم که نمی توان در امور ملی مداخله داد باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در مورد اختلاف این قبیل امور ملی (چون پارلمان فوق تمام مؤسسات ملی است) به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و هر طور که مجلس شورای ملی تصویب کرد وزارت داخله آنرا اجرا کند. در واقع وزارت داخله مأمور اجرا باشد و الا حکم او برسمیت شناخته نخواهد شد.

نایب رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم گرچه بر بنده تقبیل است که فرمایشات آقای عمادی را تردید کنم ولی مجلس برای کار های اساسی و عمده است و برای کار های عمومی

کجا است. آیا مثلاً تمام قری و قصبات اطراف هم جزو حوزه بلدی است یا منحصراً شهر و حومه است؟ این است که گفته اند انجمن و حکومت باید بنشینند و توافق نظری پیدا کنند و وزارت داخله پیشنهاد کنند و وزارت داخله هم بدون ملاحظه دلائل آنها را بسنجد و تصویب کند. اگر انجمن بلدی حق نداشته باشد که دخالت کند حکومت هم حق نداشته باشد موافقت کند. وزارت داخله هم حق نداشته باشد که تصویب کند پس که حق دارد و چطور باید حوزه بلدی تعیین شود؟ بنا بر این این مسئله هیچ مربوط بفرمایش آقای نیست. و الا اساساً بنده با فرمایشات آقای موافقم. حکم که سهل است. ما اساساً خوب است نظیرمان را قدری توسعه بدهیم و دور تر بیندازیم و به بینیم چه خبر است و تعدیات از آنجا ناشی است؟! در هر صورت بنده می خواهم عرض کنم که این ماده هیچ مربوط بفرمایش آقای نیست جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم کلمه با موافقت حکومت حذف شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که در يك مجلس با این عظمت کلمه که بنده میگویم صریحاً برخلاف تعبیر میشود. آقا! محضاً لله ملاحظه بفرمائید و درست استماع بفرمائید. بنده صورت مجلس را بشهادت میگیرم بنده کی گفتم انجمن بلدی را تشکیل ندهند؟! بنده يك کلمه گفتم که موافقت حکومت در این امر صلاح و مقتضی نیست. و عرض کردم خوبست این شرط در این ماده نباشد. و همینقدر بتشخیص اداره بلدی و تصویب اعضاء انجمن و موافقت وزارت داخله باشد. بنده کی این حرف هائی را که شما زدید گفتم؟! پس خوب است لله بحرف آدم گوش بدهید. آن وقت بفرمائید تو فلان حرف را گفتی. چرا گردن من این حرف ها را

است. برای کارهای شهری بطوری که یکی از آقایان فرمودند انجمن بلدی معین شده که خود او یک مجلس کوچک محلی است. که لوایح و چیزهای اختصاصی بلد در آنجا انجام میگردد و تصویب میشود و اگر ملاحظه بفرمائید قانون اساسی برای تغییر ایالات و ضمیمه یک نقطه بیک نقطه دیگر مجلس شورای ملی را حاکم قرار داده است. برای اینکه این مسئله مهم است ولی در مورد یک چیزهای کوچک و چیزهایی که جنبه خصوصی دارد و بلدی است بعقیده بنده خوب است آقای هم موافقت بفرمایند که همان انجمن بلدی اظهار نظر کند. و الا اگر بنا شود این جزئیات بمجلس شورای ملی مربوط شود اولاً مجلس وقت ندارد که باین امور جزئی دخالت کند بعلاوه ضرور هم نیست. اگر ایشان از مامورین دولتی نگران هستند آنها که مامورین دولتی نیستند آنها مثل بنده و آقای عمادی هستند از طرف مردم معین میشوند و فقط مامور شهری رسیدگی میکنند و حدود ماموریتشان محدود است. آنها هم از شهر مبعوثند و اظهار نظرشان در باب شهر مجاز است

نایب رئیس -- رأی میگیریم بپیشنهاد آقای عمادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود به ماده پنج آقایانیکه ماده پنجم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند)

نایب رئیس -- تصویب شد. ماده شش (باین مضمون خوانده شد)

ماده ۶ - منابع انحصارات و امتیازات بلدی و منافع حاصله از آنها ببلدیه اختصاص دارد و بمباشرت مستقیم و یا نظارت بلدیه اداره میشود

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر - موافقم

نایب رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که این ماده قدری گنگ است. برای اینکه مقصود از امتیازات بلدی چیست؟ ممکن است این امتیازات راجع بیک کارخانجات و مؤسسات باشد که قهراً آن مؤسسه باید در شهر تاسیس ولی منافع و استقادات با مخارجش شامل خارج از شهر هم بشود. بطوریکه دهات هم علاقه مند باین مؤسسه باشند و ممکن است عایدات آنجا را بیشتر دهات تأمین کنند مثلاً مثل برخی درگیلان و مازندران. که در این نقاط کارخانجات برخی پاك كنى هست که شالی را تبدیل به برنج میکند این کارخانجات غالباً در خود شهرها است ولی شالی را از دهات میآورند و در آن کارخانجات مزد میدهند و برنج میکنند. مقصود این است که اهالی دهات منافع این کارخانه را تأمین میکنند و اینکه نوشته عایداتی که از اینها حاصل میشود باید صرف شهر بشود به عقیده بنده خوب نیست و دهات هم باید يك استفاده هائی بکنند و آنها هم باید حق داشته باشند که از این امتیازات استفاده کنند البته يك چیز هائی است که منحصرأ مربوط بشهر است مثل امتیاز چراغ برق که منحصرأ مربوط بشهر است و اگر يك عایدی هم داشته باشد باید صرف بلدیه شهر بشود لیکن خیلی امتیازات دیگر هست که گرچه مؤسسه اش در شهر تشکیل میشود ولی دهات هم در آن ذی نفع و شریکند. حالا تشخیص این موارد را بنده نمیدانم چطور میشود داد. لابد این موضوع در کمیسیون هم طرف بحث و مذاکره واقع شده است. پس بهتر این است که اعضاء محترم کمیسیون يك توضیحات مفصل تری بدهند تا ما قانع شویم.

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده توجه میدهم آقای شیروانی

را بیک نکته که هنوز هم ما کمتر بان متوجهیم. و آن این است که تمام نحمیلات را اهالی شهر میکشند همان مسئله را که مثل زدبید و در موضوع شالی فرمودید که از بیرون شهر میآورند درست می کنند همان را هم اهالی دهات مازادش را روی قیمت برنج میکشند و با اهالی شهر میفروشند بعلاوه بطوریکه در ماده اول این قانون ملاحظه بفرمائید ما منحصر کردیم و گفتیم بلدیه باید در شهرها تاسیس شود. ما نمی توانیم در دهات هم حوزه بلدیه تشکیل بدهیم. پس حالا که نمیتوانیم و بلدیه باید در شهرها تشکیل شود از منافع و عوائد شهر هم باید اداره شود. وقتی که این کار شد پس قهراً کارخانجات و مؤسسات که در شهرها هست منافعش که از آنها حاصل میشود باید بمخارج و مصارف شهرها برسد. شما میفرمائید مثلاً ماده خامش را دهات تهیه میکنند و میآورند بشهر. بنده عرض میکنم آن وجهی را که می دهند در واقع بر میگردد بخود شهر. مثلاً ما برای هیزم يك مالیاتی معین کردیم. مگر آن مالیات را دهات میدهد؟ خیر. شهری آن مالیات را میدهد. همینطور تمام مالیاتهایی که مازوری فوا که و سایر چیزها قرار دادیم همینطور است و درست که ملاحظه بفرمائید می بینید شهریها آن مالیات را میدهند نه دهاتیها. و حقیقت امر این است که این نحمیلات باز متوجه اهالی شهر میشود حالا اگر بنا شود ما يك توسعه هم در امور دهاتیها قرار دهیم آن ترتیب علیحده دارد و باید بوسیله اصلاح وضعیت فلاح و زراعت ترتیبانشان را مرتب کنیم. و الا در این مورد نحمیلات بر شهریها است نه بر دهاتیها. و اگر زیادتی پیدا شود بر اهالی شهر نحمیل می شود نه بر اهالی دهات. و چون تمام این مصارف نحمیل بر شهرها میشود از این جهت ما گفتیم منافع آن هم باید بمصرف شهرها برسد و صرف بلدیه شهرها شود.

نایب رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی - اولاً بنده لازم میدانم نظریه را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند مشعر بر اینکه تمام نحمیلات متوجه اهالی شهر میشود زدبید کنیم. زیرا حقیقت این نحمیل بر کسی که آنها را ایجاد میکند. میشود و در واقع موجود واقعی همان دهاتی بیچاره است. آن کسی که مالیات میدهد همان صاحب جنس و محصول است که برای فروش تهیه کرده و بشهر آورده. هر چه نحمیل میشود بر آن بیچاره است. هر چه مالیات و نحمیلات زیادتر شود آن بیچاره مجبور است محصولش را ارزان تر بفروشد یعنی مالیات در واقع از قیمت محصول او موضوع خواهد شد. این عرض بنده برای رفع اشتباه آقای آقا سید یعقوب بود که لازم بود عرض کنم. ولی بنده بعنوان مخالفت میخواهم توضیحی بخوام اینکه این ماده میگوید: «منابع انحصارات و امتیازات بلدی و منافع حاصله از آنها به بلدیه اختصاص دارد.» این یعنی چه؟ بنده درست معنی این عبارت را نمی فهمم. مثلاً بنده يك امتیاز چراغ برق گرفته ام برای بندر بوشهر عوایدی که این امتیاز دارد منحصرأ اختصاص به بلدیه بوشهر دارد؟ اگر این طور است باید در جزو منافع و بودجه عمومی نیاید.

آقای مقصود این است عواید حاصله از چراغ برق اختصاص به بلدیه داشته باشد که بنده کاملاً موافقم. ولی خوب است توضیحی داده شود که من بعد از بودجه عمومی خارج شود. عرض دوم بنده راجع بانحصار است فرضاً يك معدنی در يك حوزه بلدی وجود دارد و يك کسی امتیاز انحصار این معدن را از دولت گرفته. خوب در منافع حاصله اش چه میفرمائید؟ آیا منافع حاصله این معدن که امتیاز انحصارش بیک شخصی داده شده منحصرأ مال بلدیه است. یا نه؟ بهر حال باید يك توضیحاتی داده شود تا من بعد اسباب اختلاف نظر و اشکال نشود. این است حرف بنده. در هر صورت آقای شیروانی

هم يك توضیحی خواستند و يك تذکری دادند مبنی بر اینکه يك امتیازات و انحصارات و عوائدی است که اگر درست دقت شود باید اهالی دهات هم از آن استفاده کنند. این مسائل بعقیده بنده باید روشن شود فرمودند مادر دهات بلدیة نخواهیم داشت. چرا نخواهیم داشت راست است که در این قانون پیش بینی نشده لیکن بالاخره آنها را هم ما نباید از تمام حقوق محروم کنیم البته برای دهات هم باید يك توسعه هائی در نظر گرفت فرضاً باسم بلدیة هم نباشد بعنوان دیگر، باسم صحیبه و چیزهای دیگر باید مراعات حال آنها را هم کرد و نباید آنها را کاملاً محروم کرد

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که بنظر بنده مسئله نظری نبود حالا از کجا اینطور شد بنده نمیفهمم. امتیاز و انحصارات يك چیزی است که ضرر و نقضش باید عاید تمام مملکت شود. مثلاً فرض بفرمائید که عوائد فقط جنوب مگر منحصر است به عبادان که فقط از آنجا جاری است؟ خیر. بلکه يك چیزی است که مال همه مملکت است. ولی يك امتیازات و يك چیز هائی است که منحصر به شهرها است. مثلاً مثل اتوبوس ران و لوله کشی و چراغ برق که این قبیل امتیازات محل است و منافع و مضارش منحصرأ مربوط بشهر است. و این قید بلدی همان قیدی است که اینها را از مجلس شورای ملی تجزیه میکند و دسته دسته میکند. ما آن نوع انحصارات را که عوائد و خرج و دخلش در بلد ها صورت میگردد قرار دادیم جزو بلدیة شهرها باشد و این خیلی واضح و مبرهن است.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

نایب رئیس -- پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود.

(بمبارت آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده شش اضافه شود.
تبصره -- عوائد کلیه امتیازات و انحصارات مربوطه بحوزه بلدی که قبلاً اعطاشده است باید کلاً تسلیم بلدی مربوطه شود.

نایب رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- این مسئله مسلم است ولی بنده از نظر تأکید تقاضا کردم این تبصره اضافه شود چون انحصارات و امتیازاتی که مربوط بلدیة است از قبیل اتوبوس ران و چراغ برق و غیره در آتیه یعنی پس از تصویب قانون هم باید عوائدش بلدیة داده شود.

مخبر -- بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم.

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده ششم به ضمیمه تبصره پیشنهادی آقای احتشام زاده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ -- علامت مخصوص بلدیة عبارتست از دور نمای دروازه که شیر ایستاده یا خورشید و شمیر در جلوی آن روی کلید رسم شده باشد و بلدیة هر شهر مهر مخصوص بنام آن شهر خواهد داشت

نایب رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرضی ندارم

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده مخالفم. مخالفت بنده از این جهت است که خود آقای دادگر و اعضاء کمیسیون باید تصدیق کنند که این مال نظامنامه است نه قانون

و باید در نظامنامه قید شود که علامت بلدیة فلان باشد بنده از نقطه نظر قانون نویسی با این قسمت مخالفم.

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم این جا با آقای احتشام زاده مذاکره میکردیم یعنی قراول میرفتیم که به بینیم در این ماده کی حرف میزنند. بجهت این که این ماده از آن ماده هائی است که گمان نمیکردیم کسی درش حرف بزند و از ماده های بسیار صحیح است زیرا علامت بلدی یکی از قسمتهای مهم قانون بلدی است. ما قانون علائم صنعتی را در مجلس گذراندیم و برای کارخانه ها در مجلس شورای ملی این مسئله را پیش بینی کردیم و بالاخره این چیز خوبی است چون قانون بلدیة مهم است و جایش هم همین جا است و باید قید شود زیرا یکی از مسائل اساسی است جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده هفتم

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد

بعضی از نمایندگان -- ختم جلسه

بیات -- بنده مخالفم

نایب رئیس -- فرمائید

مراتضی قلیخون بیات -- عرض کنم الان ده دقیقه از ظهر گذشته و هر روز تا یکساعت بعد از ظهر کار میشد امروز فقط دو سه ماده ما درش مذاکره کرده ایم بعقیده بنده خوب است جلسه ادامه داشته باشد که کار پیش برود و آقایان اجازه بدهند که چند ماده دیگر هم تصویب شود

نایب رئیس -- رأی میگیریم آقایانی که با ختم جلسه

موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- اکثریت است. جلسه ختم میشود

جلسه آتیه روز یکشنبه دستور هم بقیه لایحه بلدی.

(مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)